



انترناسیونال ۳۷۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۱ آبان ۱۳۸۹، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه anternasional@yahoo.com Fax: 001-519 461 3416 جمعه ها منتشر میشود

زندگی انسانی حق مسلم ماست

انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان تحت هر عنوانی ممنوع است. آینده از آن ماست. زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۳ اکتبر ۲۰۱۰، ۵ آبان ۱۳۸۹

این شعار اعتراضات ما کارگران و معلمان است. این خواست قلبی همه ما مردم است. ما مصمم انقلابمان را تا به زیر کشیدن کامل حکومت اسلامی سرمایه داران و آیت الله های مفت خور و رسیدن به اهداف انسانی مان تا دوام بخشیم. ما انسانیم و حق بی چون و چرای خویش میدانیم در جامعه ای آزاد و مرفه و برابر زندگی کنیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه



خانم عبادی دروغ میگوئید.

شما مدافع حقوق بشر نیستید!

اصغر کریمی دیگر برای همه روشن شده که خانم عبادی هر وقت جمهوری

صفحه ۶

فیلم "ساخت داگنهام"

مبارزه برای دستمزد برابر در برابر کار برابر

سهیلا شریفی در حالیکه سالهای اواخر دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد در انگلستان و دیگر بخشهای اروپا

صفحه ۱۲

یونسکو هم فهمید که در تهران هوا پس است

بهر روز مهر آبادی، صفحه ۱۲

صفحات دیگر

کمپین جهانی برای نجات جان سکینه محمدی

صفحات ۹-۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

یک شکست دیگر برای جمهوری اسلامی

بهر روز مهر آبادی

نسرین ستوده باید بدون قید و شرط آزاد گردد!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، صفحه ۱۱

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران، صفحه ۸

به کانال جدید کمک مالی کنید، صفحه ۹

تقاضای اختیار بیشتر برای مقابله با بی حجابی

شهلا دانشفر رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی و ساجدی نیا فرمانده انتظامی تهران، برای پاسخگویی

صفحه ۲

فراخوان به کارگران قزوین

صفحه ۶

به وجدان های بیدار در دنیا

جمهوری اسلامی میخواهد شهلا جاهد را اعدام کند! مینا احدی، صفحه ۱۱

بازتاب هفته

قتل در خیابان و قاتلان دولتی

یاشار سهندی

فصل مشترک عربیت حسن نصراله و ایرانیت

احمدی نژاد

بهر روز مهر آبادی

جریان اصولگرایی و رشد مارکسیسم در ایران

غلام اکبری

قربانیان یک وسیله نقلیه "مدرن" در جمهوری اسلامی

بهر روز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

انقلابی که شکست نخورد

نوشته ای از حمید تقوایی که بصورت ضمیمه این شماره انترناسیونال منتشر خواهد شد

عملیات ایدایی حکومت علیه

جنبش کارگری



کاظم نیکخواه

در ماههای اخیر جمهوری اسلامی تعرضاتی را بصورت پی در پی به کارگران به جریان انداخته است. فعالین و رهبران تشکلهای کارگران نظیر اعضای سندیکای شرکت واحد، سندیکای کارگران هفت تپه، و سایر تشکلهای کارگری بیشترین آماج این حملات هستند. سعید ترابیان عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران واحد طی مدت کوتاهی دوبار مورد حمله و ضرب شتم قرار گرفت و بازداشت شد و به مدت کوتاهی آزاد شد. غلام رضا غلام حسینی یکی دیگر از کارگران و فعالین شرکت واحد که همراه سعید ترابیان بود از روز ۱۲ آبان تاکنون همچنان در زندان است. پیش از آن شاهد اخراج فعالین سندیکای هفت تپه فریدون نیکوفر، علی نجاتی، محمد حیدری پور، جلیل احمدی، قربان علی پور، رضا رخشان بودیم. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودکان از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است. همایون جابری یکی دیگر از کارگران شرکت واحد نیز اخیرا هنگامی که به همراه

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمایت از سکینه محمدی آشتیانی: پنج دختر او کرابنی با برهنه شدن در مراسم هفته فرهنگ و هنر جمهوری اسلامی در کیف، پایتخت اوکراین



بر سختگیری بیشتر نیروی امنیت در مقابل حجاب برگریان در جامعه خاتمه می یابد. اما موضوع آنچه برایشان غامض است که بحث نا تمام مانده و باقی آن به وقت دیگری موکول می شود. واقعا هم رادان و ساجدی نیا راست می گویند مشکلات فراوان است. بیچاره نیروی انتظامی و نیروی پلیس و این لشکریان مزدور و تا دندان مسلحشان حریف مردم نیستند. حریف زنان آزادیخواه و مردم معترض نیستند. جلوی چشمشان حجابها هر روز بیشتر کنار می رود و کل بساط حکومتشان هدف قرار گرفته است، حسابی وحشت کرده اند. از سرکوب بیشتر سخن می گویند. اما این بیشتر حدش کجاست؟ مگر نه اینکه بساط کهریزک و زندان و شکنجه و تجاوز را بر پا کردند و جنایت را به اوج خود رساندند و امروز بازهم به گفته خودشان بد حجابی به بی حجابی تبدیل شده است؟ می خواهند چه بکنند؟ علیرغم همه این جنایتها امروز مردم چنین ایستاده اند و دارند هر روزه این جانیشان را به چالش می کشند و حجاب برگریان یک عرصه مهم همین نبرد است. بله حجاب برگریان امروز جنبش قدرتمندی در جامعه علیه فسیلهای ضد زن و ضد بشر حاکم است و تنها راه برای اینها بدون اغراق اینست که این بساط را جمع کنند و گورشان را گم کنند. راه دیگری نیست. *

در برگزاری روز جهانی فلسفه در ایران این شکست دیگری برای جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی است. رسانه های مختلف، کمپین بزرگ برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار و اعدام را در این شکست موثر ارزیابی کرده اند. جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم ضد زن در دنیا معرفی می شود. سیاست های آپارتاید جنسی و قوانین

جوانان کرمانشاه در چنین شرایطی یک اقدام ارزشمند و مهم است. در همه شهرها و محلات میتوان دست به ابتکار مشابه زد. دست جوانان کرمانشاه را صمیمانه می فشاریم. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ آبان ۱۳۸۹، ۶ نوامبر ۲۰۱۰



تقاضای اختیار بیشتر...

از صفحه ۱
شها دانشفار

میروند تا با فراکسیون روحانیون مجلس در خصوص "ناهنجاریهای اجتماعی از جمله گسترش بی حجابی در کشور و همچنین آخرین تحولات مربوط به اجرای طرح عفاف و حجاب پاسخ دهند". خب تا اینجا روشن است که مساله چیست. بنا به این گزارش روز دوشنبه ۱۷ آبان این جلسه برگزار شده است. به گفته یک عضو مجمع نمایندگان روحانی مجلس شورای اسلامی در رابطه با این نشست، در این جلسه رادان و ساجدی نیا از مجلس خواستار افزایش اختیارات نیروی انتظامی برای برخورد های لازم و تصویب مجازات های بازدارنده از مجلس شدند. از این جلالان منفور باید پرسید دیگر اختیار بیشتر به چه معناست؟ برای یک جنگ تمام عیار لشکر بسیج کرده اید تا حجاب را روی سر زنان نگه دارید و بازهم اختیار برای "برخورد های لازم" میخواهید؟ سی و یکسال است که بساط آپارتاید جنسی تان را بر پا کرده اید، بر روی زنانی که حجابشان کنار رفته اسید پاشیده اید. زنان را به عنوان بدحجاب و بیحجاب و غیره مورد توهین قرار داده اید. زنان "بدحجاب" را جریمه میکنید، شلاق

باری در جلسه روز دوشنبه آخوندهای مرتجع مجلس، دو سردار عزیز کرده خود را فراخواندند که بازخواستشان کنند که چرا شیرازه امور قوانین و حجاب اسلامی از هم گسسته است. نهایتا جلسه به تاکید

یک شکست دیگر برای جمهوری اسلامی

بهر روز مهر آبادی

در نظر گرفته شده و در ابتدا نمایندگان ده دولت خود را کاندیدا کرده بودند، راه یافتن جمهوری اسلامی به این نهاد قطعی به نظر می رسید اما در آخرین لحظات تیمور شرقی هم به جمع کاندیدا ها پیوست و توانست نماینده جمهوری اسلامی را کنار بزند. بعد از امتناع یونسکو

بهر روز چهارشنبه ۱۸ آبان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تعیین نمایندگان هیات اجرایی نهاد زنان این سازمان رای گیری شد و ایران با کسب ۱۹ رای در میان نامزدهای آسیایی در ردیف آخر قرار گرفت. از آنجا که برای آسیا ده کرسی

در اعتراض به گرانی و طرح یارانه ها جوانان کرمانشاه دست به تجمع زدند و شعار مرگ بر رژیم دادند

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز جمعه ۱۴ آبان ماه جمعی از جوانان کرمانشاه در چهارراه رشیدی این شهر آکسیونی موضعی در اعتراض به گرانی و طرح یارانه های رژیم به راه انداختند. در این تجمع که مدت کوتاهی بطول انجامید، جوانان شعار

مرگ بر جمهوری اسلامی دادند و به محض آمدن نیروی انتظامی متفرق شدند. خبر در میان مردم پیچید و مورد استقبال قرار گرفت. کارد به استخوان مردم رسیده است و مردم خود را برای اعتراضات میلیونی و این بار توفنده تر و عمیق تر از سال قبل آماده میکنند. اقدام

ساقط کند. فشار افکار مترقی و آزادیخواهانه عمومی مانع مماشات بیشتر و پذیرش جمهوری اسلامی از سوی دولت های جهان است. رژیم هر چه بیشتر در مجامع بین المللی ایزوله و طرد می شود. *

اسلامی که زن را بعنوان نیم انسان به حساب می آورد با اعتراض وسیع در سطح دنیا مواجه شده است. حضور نماینده حکومت اسلامی در نهاد زنان سازمان ملل می توانست چنین نهادهای را از هر گونه اعتبار و ارزشی

علیه تبعیض

نشریه علیه تبعیض، شماره ۲، منتشر شد

علیه تبعیض را بخوانید. تکثیر کنید و بدست دوستان و آشنایانتان برسانید. با علیه تبعیض وسیعا همکاری کنید.

به علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زنان بپردازید

عملیات ایدایی حکومت علیه ...

از صفحه ۱

است که چنین اعتصابات و اعتراضاتی در شرایط امروز جامعه تا حد زیادی گریز ناپذیر است. و میدانند که از پس خاموش کردن اعتراضات بر نمی آید. هم اکنون شاهد این هست که هرروز در گوشه ای از جامعه یک یا چند اعتصاب برای نقد کردن طلبهای کارگران یا علیه اخراجها جریان دارد و قدرت ساکت کردن کارگر حق طلب را ندارند. اما تعرضات و عملیات ایدایی اخیر در واقع جزئی از یک استراتژی پیشگیرانه در مقابل جنبش گسترده و سراسری کارگری است که میتواند کل موجودیت جمهوری منحوس اسلامی را به طور جدی به خطر بیندازد.

چشم انداز تشدید فلج اقتصادی و گسترش اعتراضات کارگری

همه چیز گویای اینست که اقتصاد جمهوری اسلامی به بن بست و فلج کامل رسیده است. تحریمهای بین المللی این وضعیت فلج اقتصادی را شدیدتر و غیر قابل علاج کرده است. قیمت نیازهای اساسی مردم هرروز دارد چند در صد بالاتر می رود. کارخانه ها پی در پی ورشکسته و بسته میشوند. طرح زدن از سویسیدها یا یارانه ها تنها راهی است که حکومت برای نجات خویش در دست دارد. اما میدانند که این طرح گرچه چند میلیارد دلار از سفره مردم به جیبشان سرازیر میکند، اما گرهی از اقتصاد ویران شده این کشور نخواهد گشود. برعکس بر گرانی و بیکاری و فلاکت مردم خواهد افزود و سویسیدهای دزدیده شده نیز از قبل حفره های بالا کشیدنش باز شده است و دردی از اقتصاد فاسد جمهوری اسلامی دوا نمیکند. فقط عده ای مفت خور را بیشتر پروار خواهد کرد تا میلیونها و میلیاردهای بیشتری را به جیب بزنند. بطور خلاصه چشم انداز اقتصادی از هم پاشیدگی بیشتر و بیکاری گسترده تر و گرانی غیر قابل تحملتر است. بار اصلی فشار این اقتصاد فاسد و ویران بیش از همه بر دوش کارگران است. کارگری که دستمزدش فی الحال زیر خط فقر است و همین دستمزد هم چند ماه و یکی دو سال پرداخت نمیشود، قرار

است قدرت خرید چندرغاز دریافتی خود را نصف شده ببیند و صدها هزار کارگران در معرض اخراج و بیکاری و بی تأمینی مطلق قرار دارند.

این وضعیت ناهنجار و تیره و تاری اقتصادی را اگر با توجه به فضای ملتهب سیاسی در جامعه و در هم ریختگی صفوف حکومت و فضای اعتراضی در میان کارگران بررسی کنیم، هیچ نتیجه دیگری جز گسترش اعتراضات کارگری از آن حاصل نمیشود. کارگران در این جامعه زیر فشار کمر شکنی هستند اما تسلیم شده نیستند. مدام در حال جنگ و کشاکش و اعتراض و اعتصابند. با جنگ و دندان دارند از زندگی خود دفاع میکنند. فقر و بیکاری الزما و در هر شرایطی گسترش اعتراض را دنبال ندارد. در شرایطی حتی بر عکس است. اما شرایط سیاسی جامعه ایران و بطور مشخص فضای مبارزه و رزمندگی در میان همه مردم در جامعه و وضعیت در هم ریخته حکومت و انزوای بین المللی آن و عوامل سیاسی دیگری بر این نتیجه تاکید دارد که گسترش اعتراضات محتملترین حالت و چشم انداز اوضاع کنونی است. این واقعیت است که سران حکومت را به دست و پا انداخته است. این وضعیت است که حاکمین را مدام به این سمت میراند که وحشت خود از "قتنه اقتصادی" را نتوانند پنهان کنند و به یکدیگر و به نیروهای سرکوبشان هشدار دهند. تعرضات و عملیات ایدایی روی جنبش کارگری در ماههای اخیر قرار است مانع فوران همین فضای اعتراضی شود.

قدرت خویش را باور کنیم

حقیقت اینست که این تعرضات و حملات به جنبش کارگری برای حکومت بی نتیجه نبوده است. جمهوری اسلامی توانسته است به درجاتی از هماهنگی و بهم پیوستن مبارزات و اعتراضات کارگران جلوگیری کند. توانسته است کارگران و بویژه فعالین کارگری را بدرجه ای محافظه کار و محتاط تر کند. حاصل این وضعیت این شده است که ما شاهد اعتراضات پی در پی بخشهای مختلف کارگران هستیم اما این مبارزات مدتهاست که نتوانسته به سطوح پیشرفته تری از

نظر تشکل و سازمانیابی و خواستههای تعرضی عبور کند. و این تا حدی در شرایط کنونی قابل فهم است. اما اگر کارگران قدرت خویش را در پس این تعرضات حکومت ببینند و باور کنند، اگر شکنندگی اوضاع را بتوان به بخشهای هرچه وسیعتری از کارگران نشان داد، و برای حرکت در شرایط متحول جامعه آمادگی و سازمانگری لازم در میان بخشهای موثری از کارگران ایجاد گردد، میتوان بسیار امیدوار بود که تعرضات حکومت به ضد خود تبدیل شود. میتوان بزودی شاهد این بود که این تعرضات در جا جواب بگیرد و با مقابله گسترده کارگران چه در ایران و چه در سطح بین المللی مواجه شود. و میتوان شاهد این بود که بخشهای هرچه وسیعتری از توده کارگران به صف اعتراض رادیکال علیه حکومت پیوندند. آنچه در سالهای اخیر شاهد بوده ایم اینست که در هر مقطعی و با هر تعرض حکومت به رهبران شناخته شده تر کارگری، لایه های تازه و جوانتری از فعالین کارگری به جلوی صف اعتراضات و اعتصابات رو می آورند و به نحو موثری نقش ایفا میکنند. بروزاتی از جنبش کارگری این را نشان میدهد که بخش قابل توجهی از فعالین این جنبش از پختگی و تجربه و رادیکالیسم بالایی برخوردارند. اول مه ها، ارتباط با تشکلهای کارگری بین المللی، نحوه پیشبرد برخی اعتراضات و ابراز وجود علنی

فعالین کارگری و امثال اینها این را تاکید میکنند که لایه های رهبری کننده در جنبش کارگری هم گسترده است و هم با تجربه و رادیکال. و این آن جنبه ای است که حکومت از پس کنترل آن بر نمی آید و بعضا تعرضاتش به جنبش کارگری مقابله با تعرضات کنونی حکومت اینست که توده هرچه وسیعتری از کارگران وحشت حکومت از جنبش کارگری را ببینند، ضعف و شکنندگی حکومت و اوضاع جامعه را باید به بخشهای هرچه بیشتری از کارگران نشان داد، اعتراضاتی را که در بسیاری موارد همزمان صورت میگیرند، تلاش کرد با هماهنگی و مرتبط با هم در یک شهر و یا یک منطقه به پیش روند و فضای اعتراض به گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر و فشارهای اقتصادی را باید هرچه بیشتر گسترش داد. فعالین کارگری میتوانند و نشان داده اند که این پتانسیل را دارند که این تعرض حکومت را در شرایط کنونی جامعه به شکست قطعی بکشانند. قطعاً پیوند و هماهنگی با حزب کمونیست کارگری بعنوان تنها حزبی که کل این فضای ملتهب و انقلابی جامعه را می بیند و در آن نقش دارد و اعتراض و صدای کارگران را در تمام عرصه های سیاسی نمایندگی میکند بسیار حیاتی و مهم است. *



اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

قتل در خیابان و قاتلان دولتی

یاشار سهندی

پنجشنبه هفته پیش ۱۳ آبان در میدان کاج سعادت آباد تهران جنایتی تکان دهنده در پیش چشم مردم به وقوع پیوست. در این واقعه اسف انگیز جوانی با چاقو جوان دیگری را بشدت مضروب کرده و با تهدید مانع کمک مردم به شخص مضروب شد. این وضعیت ۴۵ دقیقه طول کشید تا جوان مضروب در پیش چشم مردم جان داد. این واقعه به شدت جامعه را تکان داده است. مردم میپرسند چرا پلیس دخالتی نکرد؟ در این میدان مانند اکثر میادین شهر تهران یک کیوسک پلیس وجود دارد که هر کاری بخواهند با مردم میکنند. هیچ رهگذری قادر نیست داخل این کیوسکها را ببیند و هیچ صدایی نیز از داخل آن به بیرون درز نمیکند. نیروهای انتظامی با خیال راحت هر کسی را به هر دلیلی دستگیر کنند در همین کیوسکها "بازجویی میدانی" میکنند و از همانجا شکنجه را شروع میکنند. اگر متوجه شوند طرف پول همراه دارد او را به راحتی تکه میکنند. آنروز و در آن ساعت دو مامور مسلح در محل بودند. آنها آنقدر منتظر ماندند تا مضروب جان سپرد و ضارب خودش را تسلیم کرد. و بعد سران این نیروی کثیف انتظامی به تلویزیونهای حکومتی آمدند و گفتند: این دو مامور تقسیم کار کردند یکی ضارب را دستگیر کرده است و دیگری مضروب را به بیمارستان رسانده است!

بعد از انتشار فیلم واقعه اما عکس العمل کارشناسان به نوعی تکمیل کننده این جنایت بود. همه کاسه و کوزه ها بر سر مردم خراب شد که چرا ساکت نشستند، شعر سعدی را یادآور شدند که "بنی آدم اعضای یک پیکرند!" یکی شان در بی بی سی حضور یافت و مدعی شد این جنگ بین سنت و مدرنیته است! و همه گناهان را به پای مدرنیته انداخت که مردم را بی عاطفه کرده است و حاضر نشدند به مضروب

کمک کنند. یک خبرنگار بی بی سی در کمال بی شرمی میگفت این واقعه در شمال تهران اتفاق افتاده و آنجا مدرنیته حاکم است! (نقل به معنی). گویی جنوب تهران در عهد بوق زندگی میکند! کارشناسان دیگری در رسانه های جمهوری اسلامی همین ادعا ها را داشتند. فیلم منتشر شده ۹ دقیقه از حادثه را به تصویر کشیده و نشان میدهد مردمی که در محل حضور داشتند سعی داشتند که فرد ضارب را آرام سازند تا شاید به داد جوان در حال جان دادن برسند. اما آنچه این واقعه را برجسته تر میکند سواى اینکه قتل در خیابان در مقابل چشم مردم به وقوع پیوسته است تماشاگر بودن پلیس است. پلیس این روزها بنا به اعتراف خودشان در ۲۰۰۰ نقطه تهران مستقر شده و عملاً نوعی حکومت نظامی برقرار کرده اند و به مردم به اسم ارادل و اوباش حمله میکنند. این واقعه درست در بوجوه این طرح ضد مردمی به وقوع پیوسته است. این پلیسی است که کافی است چند نفر از اهالی جمع شوند و شعار دهند مانند مور و ملخ بر سر جمعیت تظاهرات کننده میریزند و با بی رحمی تمام به مردم، از کودک تا افراد مسن، حمله میکنند؛ در این مورد اما تماشاچی بودند تا بی رحمی خود را بیشتر ثابت کرده باشد. نیروی انتظامی برای اینکه ماجرا را بخواباند وعده داده است که "ماموران خاطی را تنبیه" کند.

نظام سرمایه داری به قول مارکس نفرین اجتماعی است اما این نظام با ترکیب دین اسلام یک جهنم واقعی اجتماعی است. خشونت در ذات نظام سرمایه داری است وقتی از گرده اکثر اهالی کار میکشد و زندگی شان را تباه میسازد. در سوی دیگر انبوه ثروت تلمبار شده است که جز عده قلیلی هر کسی قادر نیست از آن برداشت کند و همین نیروی انتظامی بی هیچ گونه درنگی به روی کسی که خواستار سهم بیشتری شود شلیک میکند. این نظام باورش این است: "جامعه وحشی است و هر کسی باید گرگ باشد تا خورده

نشود!" این تبلیغی است که ۲۴ ساعت شبانه روز از رسانه های این نظام به زبانهای مختلف منتشر میشود و بر آن تاکید فراوان میشود. قتل میدان کاج جلوه کوچکی از خشونت ذاتی نظام سرمایه داری است. اما جنایتی که خود دولت سازمان میدهد بسیار هولناک تر است. کشتار زندانیان، اعدامهای دسته جمعی، تجاوز به زندانی، حمله به مردمی که خواستار آزادی هستند، نپرداختن حقوق به مدتهای طولانی، و سازمان دادن "برنامه های اقتصادی" برای حمله همه جانبه به سطح معیشت بخور و نمیر مردم تحت عناوین مختلف، سازمان دادن اوباش بسیجی و حزب الهی برای آزار مردم، سازمان دادن و مجهز کردن مرتب نیروی انتظامی و تبدیل افراد این نیرو به یک مشت انسان بی وجدان که همه مردم در نزد ایشان تبهکار جلوه میکنند و برای همین خود دست به چنان تبهکاریهای میزنند که باور آن بسیار مشکل است. اینها کسانی بودند که ندا را به ضرب گلوله کشتند؛ ایشان ترانه را مورد تجاوز قرار دادند و بعد او را سوزاندند، در کهریزک، در اوین و در تمامی زندانها این کشور مشغول جنایت هر روزه هستند تا این نظام جهنمی بر پا بماند. و کارشناسان مزبور کارشان توجیه همه این ستمگرهاست و ماستمالی کردن قاتلان دولتی است. قتل میدان کاج و تم جنایات و مصائب جامعه در واقع ناشی از این نظام و این حاکمیت است. تنها راه رهایی از این وضعیت دهشتناک سرنگونی نظام سرمایه داری است و در ابتدا باید جمهوری اسلامی، جمهوری خون و جنایت را به زیر کشید.*

قربانیان یک وسیله نقلیه "مدرن" در جمهوری اسلامی

بهروز مهر آبادی

خبرگزاری دولتی مهر خبر قطع انگشت ده ها نفر از اهالی روستای "گاودانه علیرضا" در استان کهگیلویه و بویر احمد را منتشر کرد. اهالی این روستا برای عبور از رودخانه "مارون" و رسیدن به جاده ناچارند از "گرگر"

استفاده کنند. یک چهارچوبه بدون حفاظ که از چند قطعه تسمه فلزی ساخته شده و با دو قرقره روی کابلی که از بالای رودخانه کشیده شده، حرکت می کند. مسافران این جعبه بی درو پیکر فلزی ناچارند کابل را با دست گرفته و با فشار آن را به حرکت در آورند. کوچکترین لغزشی موجب می شود که انگشتان بین قرقره و کابل بماند و قطع شود. این تنها وسیله رفت آمد اهالی در سرما و گرما، در زیر برف و باران و یا گرمای داغ تابستان است. روستای گاودانه فاقد مدرسه، مغازه، درمانگاه و ... است و اهالی برای تامین کمترین احتیاجشان ناچارند به آنطرف رودخانه بروند. وزارت راه و ترابری رژیم هزینه احداث پل را پنجاه میلیون تومان برآورد کرده است.

نماینده شهر کهگیلویه در مجلس اسلامی سید محمدعلی بزرگواری به روستائیان که ناچار به استفاده از "گرگر" هستند گفت: "اگر مردم روستا حواسشان را جمع کنند انگشتشان قطع نمی شود" و در سخنان خود از "اغراق روستائیان" شکایت کرد و گفت: "همیشه می شود با شنا کردن از رودخانه عبور کرد". طبق آمار رسمی بیش از ۵۰ نفر از اهالی این روستا یک یا چند انگشت دست خود را از دست داده اند و یک نفر به علت سقوط از "گرگر" و قطع نخاع جان خود را از دست داده است. به این آمار

باید صدمه خوردگان دو روستای دیگر بنامهای "دره نی" و "چمرو" را اضافه کرد.

ساخت یک وسیله حمل و نقل ایمن برای عبور از رودخانه احتیاج به تکنولوژی پیشرفته و هزینه زیاد ندارد. در دور افتاده ترین نقاط بسیاری از کشورها نظیر چین دستگاههایی وجود دارد. حتی ساختن یک پل مدرن هم بیش از هزینه یک روز محافظت از بیت رهبری نیست. اما حکومت اسلامی ترجیح می دهد تا تکنولوژی صدر اسلام را جایگزین تکنیک های مناسب ایمنی و حفاظت جان مردم نماید. خبر های منتشر شده نشان می دهد که در مورد وضعیت فاجعه مردم "گاودانه علیرضا" چندین نامه بین ارگانهای مختلف حکومتی رد و بدل شده ولی کوچکترین اقدام عملی صورت نگرفته است. آیت الله های میلیاردر قبل از هر چیز مشغول پر کردن جیب های گشاد خود و یا تسلیح اوباش خود برای سرکوب مردم هستند. انتشار چنین خبری در قرن بیست و یکم سند دیگری از عدم صلاحیت جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت است. رژیم می که بخاطر چپاولگریهای ابتدایی ترین معضل مردم را نمیتوان حل کند و بر قطع عضو دهها نفر از مردم چشم بسته است، باید بساطش جمع شود.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

دو آمریکا و کانادا یا

بانک بروی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۰۰۱-۴۱۶-۷۸۳۳۴۶

ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زوی اصلی (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن : ۰۰۱-۶۰۴-۲۷۷۸۸۶

ایمیل : zarafshahi@yahoo.ca

در اروپا یا

انتشارات نسیم : تلفن : ۰۰۴۶-۰۷۳۴۹۱۷۰

ایمیل : nasim_info@yahoo.se

خلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن : ۰۰۴۴-۰۷۹۵-۹۲۴۴۳۴

ایمیل : jalliluk@yahoo.com

مبین کونا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۰۱۱۷۳۲۵۰۵۲۹

ایمیل : mahinkusha@t-online.de



کارل مارکس

سرمایه

(کا پیتال)

عنوان اصلی

ترجمه جمشید هادیان

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

بازتاب هفته

جریان اصولگرایی و رشد مارکسیسم در ایران



غلام اکبری

یک کشور مسلمان آن هم شیعه اینهمه مارکسیسم رشد کرد... چرا مارکسیسمی که بعد از فروپاشی شوروی رو به افول رفت توانست خود را در ایران باز تولید کند؛ مگر نه اینکه به خاطر ریشه همین تفکرات آمریکا ستیزی بوده است که امروز ما شاهد این هستیم که جریان اصولگرایی همان مارکسیسم است و چه بسا حتی از مارکسیست ها یک قدم جلوتر گذاشته اند ...

زیباکلام یکی از مهم ترین دلایل نفوذ مارکسیسم را عقب ماندگی علوم سیاسی در ایران دانست و گفت: به همین دلیل است که مارکسیسم مرتب در ایران به باز تولید می رسد، البته به خاطر برخی ملاحظات سیاسی هم هست چرا که دشمنی با استکبار به تعریف آنها که امروز آمریکا پرچم دار آن شناخته می شود

صادق زیبا کلام یکی از اساتید علوم سیاسی دانشگاه تهران و یکی از چهره های فرهنگی حکومت در منظره ای که در دانشگاه صنعتی اصفهان، دوشنبه ۱۷ آبان، برگزار شده بود ظاهراً به بررسی ریشه های ضدیت با آمریکا و آمریکا ستیزی در ایران پرداخته که خبرگزاری فارس گوشه هایی از صحبت های ایشان را منتشر کرده است. از جمله، ایشان گفته است: "سوال من این است که چرا در

یکی از نقاط مشترک مارکسیسم و حکومت ماست؛ این مسئله در جریان اصولگرایی به حدی است که حتی آنها یک گام جلوتر از مارکسیست ها هستند؛ آمریکا را نماد ظلم و جمهوری اسلامی را نماد یک حکومت مبارز علیه ظلم عنوان می کنند".

اعترافی که می شنویم گوشه ای از واقعیت را نشان میدهد و آن این است که جوانان در ایران وسیعاً به مارکسیسم گرایش دارند. نه تنها گرایش دارند بلکه با تمام وجود درک کرده اند که تنها آلترناتیو انسانی برای جامعه امروز همان آلترناتیوی است که مارکسیسم نشان میدهد. "حکومت سوسیالیستی". این را در شعار "سوسیالیسم یا بربریت" و "معیشت، منزلت حق مسلم ماست؛ و ما زندگی نمیکنیم که کار کنیم! کار میکنیم که زندگی کنیم!" میشود مشاهده کرد. اما اینکه از نظر ایشان مارکسیسم با جمهوری اسلامی یک وجه مشترک دارند، و آن

"استکبارستیزی" است، که جوانان را به مارکسیسم جلب میکند، نکته جالبی است. کسی که یکی از این دو (مارکسیسم و جمهوری اسلامی) را نشناسد، میتواند وجه مشترکی بین آنها امکانپذیر بداند. والا فقط کسی باید داری حماقتی ریشه دار باشد که این سوال را از خود نکند که، اگر مارکسیسم و جمهوری اسلامی وجه مشترک ضد استکباری دارند، پس چرا مارکسیست ها یا کمونیست ها سرنگونی طلبند و میخواهند این حکومت را به زباله دان تاریخ بیندازند. کدام استکبار (برای مردم ایران) است که از حکومت اسلامی ظالمتر و ضد انسانتر و چپاولگر تر باشد؟ و اینکه "اصولگرایان حتی از مارکسیست ها هم یک قدم جلوترند" هم بحث جالبی است. آقای زیباکلام سعی میکنند با وصله پینه کردنهای مضحک و مسخره اش از واقعیتها، وحشت سردمداران جمهوری اسلامی و کارچاق کن هایی مثل خودش را از رشد غیر قابل انکار

در ضعیف ترین موقعیت قرار گرفته است و دست همکاری بطرف ناسیونالیسم دراز کرده است. همکاری و نزدیکی این دو جنبش سیاسی یعنی مذهب و ناسیونالیسم ریشه تاریخی دارد. رهبران جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف هربار که از مذهب کاری ساخته نبود دست به دامن وطن پرستی شده اند اما از سوی دیگر یک تازی اسلام سیاسی در ایران در طول سه دهه باعث شده که برای خود یک اپوزیسیون

ناسیونالیست بوجود بیاورد. بعید به نظر می رسد که حتی حضرت کورش بتواند شکافی را که بین مذهب و ناسیونالیسم در ایران بوجود آمده پر کند. سرنگونی جمهوری اسلامی از طرف دیگر اضمحلال حزب اله لبنان را بدنبال خواهد داشت. از قوم بنی هاشم و نوادگان خاندان نبوت هم دیگر کاری برای حسن نصراله ساخته نیست. همه با هم باید بساطشان را از لبنان و از همه دنیا جمع کنند. *

فصل مشترک عربیت حسن نصراله و ایرایت احمدی نژاد

ای فریسی هاشمی، فرزند پیامبر خدا و فرزند علی بن ابیطالب و فاطمه زهراست که عرب بودند. "این سخترانی ها در سایت اینترنتی المنار متعلق به حزب اله لبنان قرار دارد. این سخنان حسن نصراله در نظر اول در مقابل تبلیغات دولت احمدی نژاد قرار می گیرد که در چند ماهه اخیر به مکتب ایرانی توسل کرده و تلاش دارد آن را با شعائر اسلام وصله پینه کند، بر سر منشور کوروش جنجال به راه انداخته و راه های گنجاندن کورش را در لیست ۱۲۴ هزار پیغمبر بررسی می کند. انتشار این سخترانی ها هم شاید بر همین زمینه باشد اما صحبت های حسن نصراله نزدیک به یک سال و نیم پیش در جریان انتخابات لبنان انجام شده و رابطه مکتب ایرانی و مکتب حسینی کشف احمدی نژاد و یاران در چند ماهه اخیر است. حسن نصراله میزبان احمدی نژاد در سفر وی به لبنان در ماه گذشته بود که در آن التزام خود را به ولایت فقیه و وفاداری و بسته بودن بند ناف خود را به حکومت اسلامی ایران اعلام نمود. انتخابات لبنان در خرداد ۸۸ و در اوج جنبش انقلابی مردم ایران انجام شد. هنگامی که جنایات جمهوری اسلامی بیش از پیش در مقابل چشم مردم دنیا قرار گرفته و موقعیت حزب الله لبنان بخاطر

وابستگی آشکار به جمهوری اسلامی ضعیف و شکننده شده بود. سخنان عشیره ای راسیستی حسن نصراله در واقع متوسل شدن به پان عربیسم بود. او در مقابل افشا شدن جنایات جمهوری اسلامی، سعی دارد به مخاطبین خود بقبولاند که ایران تحت سلطه و رهبری اعراب است و با قلقلک دادن احساسات شوینستی عرب برای خودش رای بخرد. این سیاست موفق نشد و حزب اله در انتخابات شکست خورد. اوضاع ایران در این شکست تاثیر داشت و بی دلیل نیست که حسن نصراله بارها رسماً در مقابل اعتراضات وسیع مردم ایران در دو سال اخیر موضعگیری کرده است.

اما توسل حسن نصراله به عربیت و التزام احمدی نژاد به مکتب ایرانی هر چند ممکن است در مقابل هم قرار بگیرد اما دلیل مشابهی دارد. کفگیر اسلام سیاسی به ته دیگ خورده است. پایان دوران آن نزدیک است و سران آن بخوبی آن را درک کرده اند و ناچار برای بقای خود دست به دامن ناسیونالیسم زده اند. سخنان حسن نصراله را باید بیش از هر چیز در رابطه با مبارزات مردم ایران بر علیه اسلام سیاسی و حکومت اسلامی و تاثیر بلاواسطه آن در معادلات سیاسی منطقه خاورمیانه بررسی کرد. اسلام سیاسی

بهر روز مهر آبادی

دیر کل حزب الله لبنان سید حسن نصرالله بعنوان کارگزار جمهوری اسلامی ایران در لبنان چهره شناخته شده ای است. او از مریدان موسی صدر و در دوران حیات خمینی نماینده وی در لبنان بود. او نقش مهمی در رهبری حزب الله و در دامن زدن به جنگ داخلی در لبنان و کشتار مردم در طول دو دهه اخیر داشته است. حسن نصراله روابط و تماس بسیار نزدیک و مداوم با سران جمهوری اسلامی دارد و پولها و سلاحهای زیادی از سوی جمهوری اسلامی به سوی او سرازیر میشود. در چند روز اخیر دو ویلدو از سخترانی های او در لبنان روی سایت یوتیوب و سایر سایت های اینترنتی قرار گرفته که موجب سر و صدای زیادی بویژه از سوی ناسیونالیستهای ایرانی شده است. او در سخترانی خود می گوید: "در ایران امروز چیزی به نام پارسی سازی یا تمدن پارسی پیدا نمی شود. آنچه در ایران هست تمدن اسلامی است. آنچه در ایران هست دین محمد عرب هاشمی مکی قریشی تهامی مضری است و بنیانگذار جمهوری اسلامی پدر در پدر عرب بوده و فرزند پیامبر خدا محمد است امروز رهبر در جمهوری اسلامی، امام سید خامنه

کتابی از منصور حکمت از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

خانم عبادی ... از صفحه ۱

اصغر کریمی



موضوعی میگیرند که پوسته حقوق بشری ایشان را کنار میزند و کنه مطلب نمایان میشود. همینکه کمپین نجات سکینه بالا گرفت و جمهوری اسلامی در محصصه قرار گرفت، ایشان رگ گردنشان بیرون زد و این کمپین را مشتقی داد و قال نامیدند و حتی ادعا کردند این توطئه وزارت اطلاعات است، و اخیراً با اولین اطلاعیه مینا احدی درمورد شهلا جاهد باز هم دهن دری کردند و پای وزارت اطلاعات را به میدان آوردند.

اجازه بدهید اول چند سوال را مقابل خانم عبادی بگذارم و سپس علت واقعی کینه و ضدیت ایشان با کمپین جهانی نجات سکینه و کمپین برای آزادی شهلا جاهد را توضیح دهم.

اولین سوال من است که اگر شهلا جاهد هم بشر است، همینکه حکم اعدامش به دایره اجرائیات رفت شما خانم عبادی چرا خواهان لغو حکم اعدامش نشدید و اطلاعیه ای یا مصاحبه ای انجام ندادید؟ و چرا کل دوستان شما و همفکران و هم حزبی هایتان در این مورد سکوت کرده اید؟

سوال دوم این است که چرا شما درمورد وکیل که صحبت میکنید هوتن کیان را سانسور میکنید و در مصاحبه ها و موضع گیری هایتان اسمی از هوتن و سجاد نمیآورید؟ آیا اینها از نظر شما بشر محسوب نمیشوند؟ چرا فرزند کمانگر و کبرا رحمانپور و دلارا دارابی و همجنسگراها موضوع کمپین های شما نمیشوند؟ دایره حقوق بشر شما چرا اینقدر تنگ است!

آیا واقعا شما نمیدانید که کمپین سکینه، آبرویی برای سیستم قضائی رژیم باقی نگذاشته است و این راه را برای هر مدافع واقعی حقوق بشر باز کرده است که بر متن این کمپین و شرایط جهانی که به دنبال آن ایجاد شده فعالیتش را متمرکزتر به پیش ببرد؟ آیا متوجه نیستید که این کمپین موقعیت رژیم را در سطح بین المللی بشدت ضعیف کرده است و راه را برای هر مدافع واقعی حقوق بشر بسیار بیشتر فراهم کرده است؟ آیا دخالت میلیونی مردم دنیا را علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از سکینه و مردم ایران نمیبیند؟ چرا اینقدر ناراحتید؟ حتما خبر دارید که برگزاری

تربییون ها منتظر بودند که ایشان در زمینه حقوق بشر، که عنوان این جایزه بود، چیزی بگویند ایشان اعلام کرد که اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد و بعدتر در مصاحبه هایش گفت آقای خاتمی مستحق این جایزه بود و من حاضرم دست نمایندگان مجلس اسلامی را بفشارم. و این سرخ اصلی موضع گیری های شیرین عبادی است. ایشان بعنوان مثال درمورد فتوای قتل سلمان رشدی چیزی نگفته است اما همین که به کورت وسترگارد کاریکاتوریست دانمارکی جایزه داده شد ایشان و اکبر گنجی بلافاصله اعتراض کردند و خواهان ممنوعیت فعالیت های او و امثال او شدند.

ایشان خوب خبر داشت که در همین دانمارک تروریست های اسلامی، وسترگارد و لارش ویکس در سوئد را تهدید به قتل کرده اند و تئو ونگوگ فیلمساز هلندی را به همین بهانه به قتل رسانده اند و سالها قبل از آن خمینی سردسته باندهای جنایتکار اسلامی حکم قتل هزاران نفر از کمونیست ها و سرنگونی طلبان را صادر کرد و برای قتل سلمان رشدی هم جایزه تعیین کرد و شیرین عبادی هیچگاه به یاد حقوق بشر و آزادی بیان امثال وسترگارد و لارش ویکس و رشدی نیفتاد. کسی که با هر کمپینی برای نجات یک زندانی محکوم به اعدام و سنگسار دنبال رد پای وزارت اطلاعات میگردد، نمیتواند امروز عین وزارت اطلاعات حرف بزند و فردا برای محکوم کردن

یک کمپین پای وزارت اطلاعات را به میان بکشد! و تازه خانم عبادی میتوانم از شما سوال کنم که مگر وزارت اطلاعات چه بدی دارد! شما که دست نمایندگان مجلس اسلامی را میبوسید، خاتمی هشت سال رئیس بالاتر وزارت اطلاعات را هم مستحق جایزه نوبل میدانید، از شاهرودی رئیس یک قوه دیگر رژیم هم که تعریف و تمجید میکنید، پس چرا به ارگانی که امکان داد خاتمی هشت سال رئیس جمهورتان باقی بماند کم لطفی میفرمائید! شما که بیشتر از ما از نقش مهم وزارت اطلاعات و شاخک هایش در کارخانه ها و دانشگاهها برای سرپا ماندن خاتمی و شاهرودی و کلیت رژیم اطلاع دارید؟

درمورد کمپین جهانی نجات سکینه و شهلا جاهد، لاهیجی دلیل مخالفت خانم عبادی را هم توضیح داده است: این دو نفر هنجار شکن

فراخوان به کارگران قزوین

حرکت درآورید.

شما لشکر عظیمی هستید. تصمیم جمعی بگیرید و دسته جمعی و چندین هزارنفره همراه با اعضای خانواده ها دست به تجمعات اعتراضی بزنید و اعلام کنید که کلیه حقوق های معوقه باید فوراً پرداخت شود، امنیت شغلی کارگران باید تضمین شود، به تعطیلی مراکز کارگری و بیکارسازی ها باید فوراً پایان داده شود و همه کارگران اخراجی باید به سر کارهای خود برگردند. شما با اتحاد خود میتوانید دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق و گاز خودداری کنید و اعلام کنید که دستمزاها باید حداقل به یک میلیون تومان برسد. اینها خواست های مشترک اکثر مردم شهر است و زمینه عملی کردن آن فراهم است.

شما کارگران پیشرو و رهبران کارگری در شهر قزوین را فرامیخوانیم که جلو بیفتید، با کارگران مراکز مختلف کارگری صحبت کنید، و زمینه های اعتراضات بزرگ و متحد و یکپارچه در این شهر را بوجود آورید. جنبش کارگری امروز به این نوع اقدامات نیاز عاجل دارد و شهر قزوین میتواند الگویی برای کارگران مردم گرسنه در سراسر کشور باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آبان ۱۳۸۹

هستند! یعنی هنجارهای اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشته اند. همجنسگراها هم همینطور. کمونیست ها و فعالین کارگری هم همینطور. و این اساس و مبنای موضعگیری های سیاسی عبادی و گنجی و فرخ نگهدار و لاهیجی و غیره است. اما خانم عبادی باور کنید شعور جامعه بسیار بالاتر از آنچه است که شماها فکر میکنید. جامعه مدتها است از شماها و جنبش تان عبور کرده است. به همین دلیل دارید از گردونه بیرون می افتید.

اما در پایان اجازه دهید یکبار دیگر موضع همیشگی خودمان را مورد تاکید قرار دهم. ما خواهان آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان،

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اطلاعیه ۵۱: غلامرضا غلامحسینی از اعضای سندیکای واحد هنوز در زندان است



در اطلاعیه شماره ۵۰ از حمله روز چهارشنبه ۱۲ آبان مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی به دو تن از رهبران سندیکای شرکت واحد، سعید ترابیان و غلامرضا غلامحسینی در یک کافی نت در شهر کرج گزارش کردیم. به ما گزارش شده بود که هر دو این کارگران که بعد از ضرب و شتم فراوان دستگیر و به زندان رجایی شهر منتقل شده بودند، آزاد شده اند. اما متأسفانه آخرین گزارش دریافتی حاکی از اینست که غلامرضا غلامحسینی همچنان در زندان است و از وضعیت او هیچ خبری در دست نیست.

خبر حمله به این دو فعال کارگری و از اعضای سندیکای واحد، بصورت خبری کمپینی از سوی آی تی اف (اتحادیه بین المللی ترانسپورت) وسیعاً منتشر شده است. در گزارش خبری آی تی اف بعد از گزارش ماوقع آمده است: "آی تی اف بر این نظر است که بازداشت‌های اخیر یکی از آخرین کمپین‌های است برای شکستن سندیکا واحد و مسئولین با بوق و کرنا گذاشتن این جریم، تهدیدها و خشونت که استفاده میشود تا جلوگیری کند از

فعالیت‌های قانونی سندیکای جمهوری اسلامی نقش تشکلهای کارگران در متحد کردن مبارزات کارگری را دیده است. دیده است که چگونه سندیکای شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت تپه بعنوان ظرف اتحاد کارگران عمل کرده اند. دیده است که چگونه کارگران واحد با قدرت تشکلهای اعتصابات باشکوه سال ۸۴ را خلق کردند. دیده است که چگونه کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۷ با اعتصاباتشان و مبارزاتشان نقش مهمی در اعتراضات کارگری و کل منطقه خوزستان داشتند. از اینروست که این تشکل ها و هرگونه تلاشی از سوی کارگران برای متشکل شدن را هدف قرار داده است. از اینروست که رهبران این کارگران را مرتباً مورد پیگرد و دستگیری و تهدید قرار میدهد. به همین جرم است که اکنون منصور اسانلو و ابراهیم مددی و رضا شهابی و غلامرضا غلامحسینی در زندانند. و فعالین کارگری اینچنین دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار میگیرند. در ادامه همین سیاست است که اکنون رهبران کارگران سندیکای

نیشکر هفت تپه بعد از تهدیدات و فشارهای بسیار و بازداشت و زندانی شدن، اکنون از کار بیگانه شده اند. باید در برابر این سیاستها ایستاد. دفاع از کارگران زندانی امروز یک رکن مهم دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و حقوق پایه ای ما کارگران است. ما همگان را فرامیخوانیم به پیوستن به کمپین برای آزادی کارگران زندانی فرامیخوانیم.

هم اکنون کمپینی جهانی برای آزادی کارگران زندانی در جریان است. ما نیز به سهم خود با اعلام کمپین برای آزادی کارگران زندانی در انعکاس سریع اخبار مربوط به کارگران زندانی و جلب حمایت وسیع جهانی تلاش میکنیم. به هر شکل که میتوانید با این کمپین همکاری کنید.

باید این تهدیدات و فشارها بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضی در عرصه های مختلف اجتماعی را با تمام قدرت محکوم کرد و مورد اعتراض قرار داد.

هم اکنون علاوه بر کارگران شرکت

نیروهای جمهوری اسلامی به سعید ترابیان و غلامرضا غلامحسینی حمله بردند، آنها را زیر ضرب و شتم قرار دادند و آنها را بازداشت کردند. سپس سعید ترابیان را با قید وثیقه آزاد کردند و غلامرضا غلامحسینی همچنان در بازداشت است. این درحالیست که منصور اسانلو که به ۵ سال زندان محکوم شده بود، هم اکنون ۴ سال است در زندان است و حکم زندان او یکسال نیز افزایش یافته است. رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای واحد نیز از ۲۲ خرداد امسال تا کنون در بازداشت بسر میبرد و ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکا به سه سال و نیم زندان محکوم شده است و هم اکنون بیش از دو سال است که در زندان بسر میبرد.

علاوه بر کارگران شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است و هم اکنون در بند ۳۵۰ اوین بسر میبرد.

علاوه بر کارگران شرکت واحد، همایون جابری، غلامرضا غلامحسینی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، صدیق خسروی،



شهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش

0044-7852 338334

bahram.soroush@gmail.com

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بنیدید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

واحد، بهنام ابراهیم زاده یکی دیگر از فعالین کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک ۵ ماه است در زندان است. منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده، غلامرضا غلامحسینی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

اطلاعیه شماره ۵۲: بهنام ابراهیم زاده از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است



در اطلاعیه های شماره قبل گزارش کردیم که حکم بازداشت بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک برای یک ماه دیگر تمدید گردیده است. یکماه گذشت ولی او هنوز در زندان است. به او گفته شده بود که امروز ۱۶ آبان برای وی دادگاه تشکیل شده و وضعیتش روشن خواهد شد. اما به بهانه عدم حضور نماینده دادستان این دادگاه تشکیل نشد.

کار دادگاههای جمهوری اسلامی و قوانینش، محاکمه کارگران و مردم معترض و آزادیخواه است. بهنام ابراهیم زاده از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است. قبلاً برای وی وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود، اما به بهانه اینکه وثیقه ای که خانواده وی تهیه کرده بود، از شهرستان است، وی

ابراهیم اسماعیلی باید فوراً از زندان آزاد شوند. همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

ابراهیم اسماعیلی باید فوراً از زندان آزاد شوند. همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

ابراهیم اسماعیلی باید فوراً از زندان آزاد شوند. همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

تجمع اعتراضی کارگران نساجی قائم شهر مقابل فرمانداری

هفتصد و پنجاه کارگر نساجی های شماره یک و دو قائمشهر پیش از ظهر روز سیزدهم آبان، در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود از محل کارخانه بطرف شهر راهپیمایی کردند و در مقابل فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران نساجی قائمشهر ۹ ماه دستمزد و ۴ ماه عیدی سال گذشته و سه ماه دستمزد جاری خود را طلب دارند. در این تجمع اعتراضی کارگران خشمگین خواهان حضور مدیرعامل کارخانه جوادی نژاد در جمع خود شدند تا وی پاسخگوی این معضلات باشد. کارگران معترض اعلام داشتند که تا تعیین تکلیف قطعی و پرداخت طلبهایشان، به تجمع خود ادامه خواهند داد. زیر فشار اعتراضات کارگران در این روز

سرپرست فرماندار قائمشهر بمیان کارگران آمد و از طریق خط تلفن جوادی نژاد کارفرمای کارخانه را خبر کرد که بمیان کارگران بیاید. اما او که پاسخی نداشت، از آمدن بمیان آنان خودداری کرد و توسط تلفن وعده داد که تا اول آذر ماه بطور زمانبندی شده ای طلبهای کارگران را پرداخت خواهد کرد و حقوق یکماهه اول آنها در ۲۳ آبان پرداخت میشود. او اعلام کرد که فعلا کارخانه تقدینگی لازم برای پرداخت تمامی طلبهای کارگران را ندارد. با شنیدن این سخنان کارگران به خشم آمده و اعلام کردند که به اعتراضشان ادامه خواهند دارد. قبلا به کارگران قول داده شده بود که با باز شدن "آل سی" تمام حقوق و مزایای معوقه آنان پرداخت خواهد شد. عزت الله اکبری

نماینده مجلس اسلامی از قائم شهر در افتتاحیه "آل سی" نوید پایان یافتن بی پولی کارخانه و بکارگیری کارگران جدید در کارخانه را داده بود، اما به گفته کارگران در این مدت هیچ اقدامی صورت نگرفته و وضعیت آنان هر روز بدتر شده است. در همین رابطه روز دوازدهم آبان نیز دوستان نگر از کارگران نخریسی شماره سه قائم شهر به فرمانداری رفتند. بنا بر گزارشها کارخانه های نساجی شماره یک و دو بسته شده و کارخانه شماره سه نیز در حال تعطیل شدن است و کارگران به این وضعیت معترضند. در تجمع این روز کارگران معترض برگه های تبلیغاتی اکبری نماینده شهر را که مدعی رسیدگی به وضع کارگران است، را از خیابان کردند و پاره کردند.

نپرداختن دستمزدها آنچنان به کارگران این کارخانه فشار آورده است که به سختی خوراک و نیازهای خانواده خود را تامین میکنند. در خبرهای منتشر شده گفته میشود که برخی کارگران به دلیل بی پولی ناچار شده اند فرزندان شان را از دانشگاه و مدرسه رفتن بازدارند. اعتراضات کارگران نساجی قائم شهر ادامه دارد.

بالا کشیدن دستمزد فقیرانه کارگران توسط کارفرمایان یک جنایت آشکار در حق کارگران است. این دزدان و چپاولگران توسط حکومت و نیروهای مزدورشان حمایت میشوند. مبارزه علیه نپرداختن دستمزدها یک مبارزه مهم کارگران است و به همه کارگران مربوط است. اقدام اخیر کارگران نساجی قائم شهر در کشاندن اعتراضاتشان به سطح شهر یک روش موثر مبارزه کارگران

در این شرایط است و باید آنرا هرچه وسیعتر بکار گرفت. شرکت خانواده های کارگران در این تجمعات اعتراضی بدون شک مبارزات کارگران را قدرتمند تر خواهد کرد. حرکت متحد کارگران و متکی بودن آنان به تصمیمات جمعی شان در مجامع عمومی کارگری، حمایت بخش های مختلف کارگری از اعتراضات یکدیگر، اعتراضات همزمان کارخانجات مختلف بر سر خواسته های مشترکی که دارند در سطح شهرهای مختلف و تلاش برای جلب پشتیبانی مردم شرافتمند و آزادیخواه از این اعتراضات از ارکان مهم پیروزی مبارزات کارگری است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۱۳۸۹، ۶ نوامبر ۲۰۱۰

پاتوق: برگزاری شب همبستگی با کارگران ایران در شهر لیون فرانسه



شنبه ۶ نوامبر بعد از تظاهرات کارگران و مردم فرانسه بر علیه قانون بازنشستگی که بیش از ۲۰ هزار نفر در شهر لیون در آن شرکت داشتند. شب همبستگی برگزار کردیم. به فراخون ساتر سوسیال دو له کواروس و انجمن همبستگی ایران و فرانسه. این گردهمائی حدود پنجاه نفر مهمان داشت که در یک فضای گرم و صمیمی بعد از صرف شام به سخنان پاسکال که به زبان فرانسه ایراد شد گوش دادند. صحبت های پاسکال از انقلاب ایران شروع شد و به نقش طبقه کارگر و شوراهای کارگری اشاره کرد. شب همبستگی با پیام همبستگی سندیکای هفت تپه و شرکت واحد و متالوژی و مکانیک کرمانشاه و در آخر پیام همبستگی حزب کمونیست کارگری ایران با کارگران اعتصابی و مردم معترض فرانسه به پایان رسید.

بیش از سه هفته از اعتصاب کارگران میگذرد و طی این مدت کارگران بدون آنکه کاری در کارخانه انجام دهند، هر روز در ساعات کاری در کارخانه حاضر شده اند. کارگران خواهان پرداخت فوری چهار ماه دستمزد سال قبل، دو ماه دستمزد شهریور و مهر و نیز تمديد دفترچه های بیمه و تداوم کار کارخانه هستند. در جریان این اعتراضات کارگران مرتباً مجمع عمومی تشکیل داده و دسته جمعی در مورد ادامه اعتراض خود تصمیم گیری کرده اند و با اینکار توطئه ها، فریب کاریها، وعده های توخالی و تهدیدات کارفرما و بخشدار و سایر ارگانهای دولتی را خنثی کرده اند. کارگران میگویند ما مسئول مشکلات کارفرما و تقدینگی و غیره نیستیم. کارگران یکپارچه در برابر فریبکاری و بهانه های بخشدار که میخواست تعطیل کارخانه را به کارگران تحمیل کند ایستادند و یک صدا فریاد زدند بیکار سازی محکوم است و بجای این حرفهای بی سر و ته دستمزدهای پرداخت نشده مان را بدهید. کارگران سه هفته قبل نیز کارفرما را بخاطر زورگویی اش از کارخانه بیرون کردند.

طبق خبری که به حزب رسیده است، کارگران کیان تایر روز چهارشنبه ۱۲ آبان مثل روزهای قبل در محل کارخانه اقدام به آتش زدن لاستیک نمودند. خواست کارگران پرداخت فوری ۶ ماه دستمزد پرداخت نشده و جلوگیری از تعطیل کارخانه است. در این روز نیروهای سرکوبگر رژیم به کارخانه آمدند و به کارگران اخطار کردند که به تجمعات اعتراضی خود و آتش زدن لاستیک خاتمه دهند. آنها وقتی مقاومت و اعتراض کارگران را مشاهده کردند، با چند بولنزر به محل آمده و فشار بر روی کارگران را شدت دادند. اما کارگران باز هم مقاومت کردند و سرانجام مامورین انتظامی و حراست ناگزیر به مذاکره با کارگران شدند. در نتیجه این مذاکرات ۲۰۰ هزار تومان به حساب کارگران واریز شد و به کارگران وعده داده شد که مواد اولیه برای راه اندازی تولید وارد میشود و مبلغ ۵ میلیارد تومان جهت پرداخت طلبهای کارگران به آنها داده خواهد شد. بدین ترتیب کارگران دسته جمعی تصمیم گرفتند به سر کار خود بازگردند ولی اعلام کردند چنانچه به این وعده ها عمل نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ آبان ۱۳۸۹، ۸ نوامبر ۲۰۱۰

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

مهران ۵۵۰ کرون میز تبلیغات مالمو ۲۱۰ کرون
کامران ۱۰۰۰ کرون فرشته ایلکا ۵۰۰ کرون
شاهرخ حیدری ۲۰۰ کرون کمالی ۵۰۰ کرون

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید،**به آن کمک مالی کنید!**

کانال جدید صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند. کانال جدید صدای مبارزه برای سرنگونی حکومت دزدان میلیاردر و آدمکشان حرفه ای است. کانال جدید، ابزار کارگران، زنان، جوانان و همه مردم محروم برای متحد شدن، متشکل شدن و سازمانگری و انقلاب علیه نظام کثیف سرمایه داری اسلامی است.

کانال جدید مدافع پر و پا قرص سوسیالیسم یعنی آزادیخواهی، عدالت، برابری و یک زندگی انسانی است. این کانال شما مردم است

به هر شکل که میتوانید مشخصات آرا به دیگران اطلاع دهید:

هر شب از ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم ایران،

هات برد، شبکه KBC فرانکس ۱۱۲۰۰، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰، عمودی، اف ای سی ۵/۶

در برنامه های پخش مستقیم شرکت کنید: میتوانید در برنامه های پخش مستقیم با شما ره تلفن ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ شرکت و اظهار نظر کنید. Www.newchannel.tv, nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

به کانال خود کمک مالی کنید.

با ما تماس بگیرید تا شما را برای ارسال کمک مالی راهنمایی کنیم. اما اگر دوست و آشنایی در خارج کشور دارید ساده ترین راه، ارسال کمک از طریق آنها است.

مرگ بر حکومت نکبت اسلامی**زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی****زنده باد سوسیالیسم**

اطلاعیه شماره ۹۴: خطاب به اژه ای و سایر مسئولین قوه قضائیه جمهوری اسلامی:

شما دارید علیه سکینه پرونده جعل میکنید و میخواهید زمان بخرید!

عنوان قاتل و مجرم معرفی کرده اید؟ و حتی رسانه ها و حامیان بین المللی او را نیز بارها و بارها متهم به دفاع از یک قاتل کرده اید؟

اظهارات شما و سایر مقامات حکومت که تاکنون در مورد سکینه اظهار نظر کرده اند، یک اعتراف روشن به این حقیقت است که دادگاههای شما ذره ای به یک دادگاه صالحه شباهت ندارند و مطلقاً صلاحیت رسیدگی به این پرونده و پرونده هیچ زندانی دیگری را ندارند.

شما را در سطح جهانی بی آبرو کرده ایم. کل سیستم قضائی اسلامی تان را مقابل چشم مردم دنیا قرار داده ایم و اگر در طول این ۳۱ سال مرتکب هیچ جرم و جنایت دیگری نشده بودید، به خاطر آنچه به سر سکینه و فرزندان و وکیلش آورده اید، و مطابق با اعترافات تاکنونی خودتان، مجرم به حساب میآید و باید محاکمه شوید.

شما مشغول تحقیقات بیشتر در مورد پرونده سکینه نیستید، شما مشغول جعل آن هستید. شما منتظر روشن شدن پرونده سکینه نیستید، میخواهید زمان بخرید تا فشارهای جهانی از روی شما برداشته شود. امروز مردم دنیا با رفتارهای جنائی تان با زندانیان و تناقضات و بیشرمی هایتان بخوبی آشنا شده اند.

کمیتته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار اعلام میکنند که جای سکینه، سجاد و هوتن و خبرنگاران

اید را جبران میکردید؟ این چه پرونده ای است که پنج سال است در حال بررسی است و اکنون ادعا میکنید که نیازمند گذشت زمان و تحقیقات بیشتر است؟ چند ماه یا چند سال دیگر باید سکینه در زندان با کابوس سنگسار و اعدام زندگی کند و منتظر بررسی پرونده باشد؟ آیا نباید او را آزاد کنید و به فرض که مشغول بررسی بیشتر پرونده او هستید و بویژه با توجه به اینکه سکینه پنج سال است در زندان است و اکنون خودتان اعتراف میکنید که هنوز اتهامات او ثابت نشده در طول دوره رسیدگی به پرونده آزاد باشد؟

۴- چرا پرونده اش را از منزل و محل کار وکیلش، هوتن کیان، دزدیده اید؟ و حتی نسخه پرونده اش را از زندان تبریز و اداره پلیس این شهر خارج کرده اید؟ اگر قصد جعل پرونده سکینه را ندارید و واقعا قصد بررسی بیشتر پرونده را دارید چه نیازی به سرقت پرونده او داشتید؟

۵- چگونه پرونده سکینه در حال رسیدگی است اما وکیل و فرزندش را به جرم دفاع از او از زندانی کرده و مورد شکنجه قرار داده اید و او را از داشتن وکیل محروم کرده اید؟

۶- این چه نوع بررسی پرونده است که متهم را با شکنجه وادار به مصاحبه تلویزیونی کرده اید و در رسانه هایستار از زبان مقامات مختلف تان او را به

غلامحسین اژه ای دادستان کل کشور و سخنگوی قوه قضائیه امروز در مصاحبه ای با ایرنا گفته است که "برای روشن شدن محکومیت قطعی سکینه محمدی آشتیانی نیازمند گذشت زمان و تحقیقات بیشتری در محتوای پرونده ایشان هستیم و این پرونده هنوز مراحل قانونی خود را طی میکنند". او همچنین گفت "دو مورد اتهام و محکومیت بر سکینه وارد است و بی شک اتهام و محکومیت قتل او بر اتهام دیگر مقدم تر است".

در مقابل این اظهارات کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار اعلام میکنند:

۱- اگر پرونده سکینه در حال بررسی است پس چرا به ده سال زندان محکوم شده و ۹۹ ضربه شلاق خورده و پنج سال از عمرش را در زندان گذرانده است؟ آیا نباید این حکم فوراً ملغی شود و به سکینه و خانواده اش خسارت داده شود؟

۲- اگر اکنون اعتراف میکنید که پرونده احتیاج به بررسی بیشتری دارد، پس چرا او را به سنگسار محکوم کرده اید؟ و سپس بارها حکم اعدامش را اعلام نموده اید؟ اگر ذره ای انصاف در سیستم قضائی شما وجود داشت باید رسماً و علناً از سکینه و فرزندانش رسماً معذرتخواهی میکردید و گوشه ای از خسارت روحی و جسمی که به او و فرزندانش در این چند سال وارد کرده

آلمانی در زندان نیست. آنها باید فوراً آزاد شوند و اژه ای و شاهرودی و کل سران رژیم و مسئولین قضائی جمهوری اسلامی به جرم این رفتار شنیع و هزاران جنایت دیگر به محاکمه کشیده شوند و کل این سیستم ضدانسانی قضائی همراه با خود رژیم ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و

بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

اطلاعیه شماره ۹۰:

شهردار شهر ونیسو در فرانسه سکینه را شهروند افتخاری این شهر خواند

شهردار شهر ونیسو در حومه لیون فرانسه، خانم میشل پیکارد، عضو حزب کمونیست فرانسه، روز ۵ نوامبر یک گردهمایی در دفاع از سکینه محمدی ترتیب داد و در آنجا به شورای این شهر پیشنهاد کرد که سکینه را بعنوان شهروند افتخاری این شهر بپذیرد. در این گردهمایی که حدود ۱۵۰ نفر شرکت داشتند لوحی از سکینه برده برداری شد و شهردار شهر نامه ای را همراه با قطعنامه پیشنهادی خود به شورای شهر ارائه داد. در ادامه، اطلاعیه شماره ۸۸ کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام در مورد عوامفریبی های جمهوری اسلامی، توسط رئیس جلسه برای مدعوین قرائت شد و یدی کوهی از حزب کمونیست کارگری در مورد اوضاع ایران و مبارزه مردم برای رهایی از شر یک حکومت مذهبی عقب مانده و ضد انسان سخنرانی کرد و پیشنهادی را برای برگزاری یک میتینگ در مورد اوضاع سیاسی ایران به شورای شهر ارائه داد.

خانم میشل پیکارد در نامه خود نوشته است که سکینه سمبل همه زنانی است که مورد خشونت قرار دارند و این قطعنامه در دفاع از زنانی است که هرروز مورد شکنجه روحی و جسمی قرار میگیرند، در سکوت رنج میبرند، سنگسار میشوند و حرمت و آزادی آنها با خطر مواجه میشود. مقاومت و خواست آزادی در میان آنان قدرتمند است، اما بدون همستگی جهانی امید آنها به آزادی میتواند به یاس مبدل شود.

قطعنامه پیشنهادی شهردار: با توجه به خطر سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، با توجه به اینکه در ۵۸ کشور جهان هنوز مجازات اعدام جریان دارد، با توجه به اینکه سنگسار یک عمل وحشیانه است که با هیچ توضیحی قابل دفاع نیست، و جنایت علیه بشریت است و همه جا باید ملغی گردد، با توجه به اینکه سکینه قربانی

نقض حقوق زنان و سمبل همه زنانی است که سنگسار شده اند یا خطر کلی قربانی سرکوب، جداسازی و تبعیض میباشند، و با توجه به موج همبستگی جهانی که برای نجات سکینه و همه کسانی که با خطر سنگسار مواجه هستند، جریان دارد، شورای شهر ونیسو تصمیم میگیرد که: از اقدامات برای آزادی سکینه حمایت کند از فعالیت علیه سنگسار حمایت کند مردم شهر را از تصمیم در مورد شهروندی سکینه با تمام امکانات از جمله مطبوعات، اینترنت، میتینگ و غیره مطلع کند

و این تصمیمات را به اطلاع سفارت جمهوری اسلامی، سرکوزی رئیس جمهور فرانسه و سازمانها و نهادهایی که برای آزادی سکینه فعالیت میکنند برساند. طبق گزارش دیگری از یدی



کوهی، لودویک آربره دبیر سندیکای ث ژ ت در جنوب تولوز طی نامه ای از برنارد کوشنر درخواست کرده است که برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی از اعدام دخالت کند. در این نامه آمده است که اعدام و سنگسار

عین بربریت است و فرانسه باید جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به این رفتارهای وحشیانه تحت فشار قرار دهد. کمیته بین المللی علیه اعدام کمیته بین المللی علیه سنگسار ۲۰۱۰ نوامبر ۵

تظاهرات در حمایت از سکینه مقابل سفارت جمهوری اسلامی در آرژانتین و اوکراین

روز جمعه ۵ نوامبر به دعوت واحد امنستی اینترنتی در بوئنوس آیرس تظاهراتی در اعتراض به سنگسار و اعدام سکینه در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در این شهر سازمان داده شد. در این تظاهرات که به شکل راهپیمایی به طرف سفارت جمهوری اسلامی در بوئنوس آیرس برگزار شده بود معترضین نسبت به خطر احتمالی سکینه هشدار داده و خواهان آزادی فوری سکینه و پسر و وکیلش سجاد و هوتن کیان شدند. این تظاهرات مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت و گزارش آن بطور در رسانه های خبری و شبکه های تلویزیونی آرژانتین منعکس شد. گابریلا دوینا یکی از فعالین حقوق بشر و کمپین نجات سکینه در مصاحبه با شبکه های تلویزیونی آرژانتین گفت: حکم سنگسار یا اعدام سکینه محمدی آشتیانی با واکنش اعتراضی جامعه بین المللی مواجه شده و ما در ادامه کمپین کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار در پاسخ به فراخوان این روز جمعه ۵ نوامبر به دعوت واحد امنستی اینترنتی در بوئنوس آیرس تظاهراتی در اعتراض به سنگسار و اعدام سکینه در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در این شهر سازمان داده شد. در این تظاهرات که به شکل راهپیمایی به طرف سفارت جمهوری اسلامی در بوئنوس آیرس برگزار شده بود معترضین نسبت به خطر احتمالی سکینه هشدار داده و خواهان آزادی فوری سکینه و پسر و وکیلش سجاد و هوتن کیان شدند. این تظاهرات مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت و گزارش آن بطور در رسانه های خبری و شبکه های تلویزیونی آرژانتین منعکس شد. گابریلا دوینا یکی از فعالین حقوق بشر و کمپین نجات سکینه در مصاحبه با شبکه های تلویزیونی آرژانتین گفت: حکم سنگسار یا اعدام سکینه محمدی آشتیانی با واکنش اعتراضی جامعه بین المللی مواجه شده و ما در ادامه کمپین کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار در پاسخ به فراخوان این

سازمانها در آرژانتین به این صف اعتراض جهانی پیوسته و خواهان آزادی فوری سکینه محمدی آشتیانی هستیم. گابریلا همچنین در مصاحبه تلویزیونی خود اظهار داشت که ما به همراه سازمان های حقوق بشری دنیا معتقدیم که گسترش اعتراضات بین المللی همراه با اعتراض سیاستمداران، مقامات دولتی و نهادها و سازمان های مدافع حقوق بشر میتواند جلوی وقوع فاجعه اعدام سکینه را بگیرد. در خاتمه این راهپیمایی، طومار اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در بوئنوس آیرس ارائه شد. بر اساس گزارش خبرنگاری های آرژانتین سفارت جمهوری اسلامی در لندن ادعا کرده است که پروسه قضایی سکینه هنوز به اتمام نرسیده است. تظاهر کنندگان اعلام کردند به فعالیت ها و اعتراضات و فشارهای خود تا آزادی سکینه ادامه خواهند داد.

سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا نیز مدعی شده است که



سکینه، سجاد و هوتن و خبرنگاران جمهوری اسلامی با قاطعیت و بی وقفه ادامه خواهد داد. کمیته بین المللی علیه اعدام کمیته بین المللی علیه سنگسار ۲۰۱۰ نوامبر ۶

http://www.youtube.com/watch?v=BLIXckOf_3s کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار بار دیگر اعلام میکنند که فعالیت های خود را با خواست لغو رسمی و عملی حکم سنگسار و اعدام سکینه و آزادی

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

<http://www.youtube.com/watch?v=7nYRQZchcYU> کلیپی آکسیون اعتراضی در کیف:

زنده باد سوسیالیسم!

جمهوری اسلامی می خواهد شهلا جاهد را اعدام کند. نگذاریم این زن جوان اعدام شود!



به وجدانهای بیدار در دنیا

شهلا جاهد ۸ سال است در بند ویژه زندان اوین در تهران با کابوس اعدام زندگی میکند و اکنون لاریجانی رییس قوه قضاییه حکم قصاص (اعدام) شهلا جاهد را به اجرای احکام در دادسرای جنایی تهران ارسال کرده است و هر آن ممکن است شهلا را بکشند. شهلا جاهد را بارها تا پای چوبه دار بردند اما بدلیل توجه وسیع افکار عمومی در ایران و اعتراضات گسترده بین المللی، موفق به اعدام او نشدند. اکنون جمهوری اسلامی تصمیم به اعدام او گرفته است تا نشان دهد که اگر سکینه را بدلیل فشارهای بین المللی نمیتواند اعدام کند، هنوز قدرت! اعدام زن دیگری را دارد. می خواهد شهلا را اعدام کند تا بگوید تسلیم فشارهای بین المللی نشده است. دنیا باید بلند شود و مانع اعدام شهلا شود.

شهلا یک پرستار بود و عاشق فوتبالیست معروف ایرانی ناصر محمد خانی شد و این دو نفر زندگی مشترک مخفی را با هم در آپارتمانی در تهران شروع کردند. ناصر محمد خانی همزمان همسر لاله سحرخیزان بود و لاله در مهرماه سال ۸۱ در تهران به قتل میرسد، در حالیکه ناصر برای مسابقه فوتبال به آلمان رفته بود و شهلا در رابطه با این قتل دستگیر میشود.

قبل از اینکه تحقیقاتی انجام شود و چیزی اثبات شود در رسانه های حکومتی شهلا را به عنوان قاتل معرفی کردند و او را در زندان مخفی و مخوف اطلاعات زیر بازجویی همراه با شکنجه بردند. شهلا چند سال قبل در تماسی تلفنی از زندان به من گفت: "چندین روز و چندین هفته زیر بازجویی بودم. هر کاری میتوانستند با من کردند. تا پای مرگ شکنجه ام کردند، تحقیر کردند، هفته ها آزار دادند و

بالاخره مجبور کردند آنچه را که آنها دیکته میکنند، بگویم. حتی تهدیدم کردند که دختر کوچکی از اقوام مرا که همچون فرزند من بود، به آنجا آورده و به او آزار میرسانند... برای اینکه دست از سرم بردارند، هر آنچه آنها میخواستند را "اقرار" کردم. بعد از اینکه شکنجه ها تمام شد در دادگاههای بعدی اعتراض کردم و اتهام قتل را رد کردم اما کسی گوشش بدکار نیست."

وکیل پرونده شهلا، عبدالصمد خرماشاهی، همواره گفته است این پرونده ده ایراد حقوقی دارد. از جمله در محل قتل سیگاری نیمه کشیده پیدا شده و شهلا اصلا سیگاری نیست. ضربه های چاقو توسط یک نفر چپ دست زده شده و شهلا با دست راست کار میکند، جسد را بعد از به قتل رساندن، لباس تمیز پوشانده اند و این از عهده شهلا بر نمی آید در رسیدگی ابتدایی به این پرونده، شاهد یک بررسی شفاف نبودیم و ایرادات شکلی و ماهوی زیادی از ابتدا در پرونده وجود داشت. تحقیقات اولیه به صورت کامل انجام نشد، شهلا و مطلعین حاضر

نشدند، بررسی هایی علمی صورت نگرفت و از سوی دیگر رسیدگی با سرعت انجام شد و ... معاینه پزشکی از لاله نیز نشان داد که احتمالاً قبل از اینکه لاله به قتل برسد به او تجاوز شده است.

اما سیستم قضائی رژیم، تصمیمش را قبل از بازجویی و اثبات چیزی گرفته بود. قصد داشت شهلا را قاتل معرفی کند و از این اقرار استفاده کرد و شهلا را به اعدام محکوم کرد.

دادگاه شهلا به یکی از جنجالی ترین دادگاهها تبدیل شد و همگان از زبان شهلا شنیدند که به زور شکنجه و تهدید از او اعتراف گرفته اند. شهلا جاهد در این دادگاه از رفتارهای وحشیانه در زندان و بی عدالتی موجود در دادگاه انتقاد کرد و گفت که قربانی میشود تا اصل پرونده قتل مورد بررسی قرار نگیرد.

شهلا یک زن جوان، باهوش و علاقمند به هنر و شعر است. او در زندان شعر میگوید و بدلیل خصوصیات و توانایی هایش مورد احترام زنان زندانی است. در سالهای قبل فعالیت گسترده ای علیه حکم



اعدام شهلا در ایران و در سطح بین المللی انجام گرفته است. از جمله از زندگی او فیلمی تهیه شده بنام "کارت سرخ" که در رسانه های بین المللی نشان داده شده و در برخی فستیوال ها از جمله در هلند به نمایش درآمده است.

شهلا جاهد قربانی یک رژیم جنایتکار و زن ستیز است. نباید بگذاریم او را اعدام کنند. نباید اجازه دهیم که بخاطر شکست رژیم در پرونده سکینه، شهلا را قربانی کند. با همان قدرتی که برای سکینه فعالیت کردیم و با همان گستردگی باید دست به کار شویم و جمهوری اسلامی را در این پرونده نیز عقب نشانیم.

مینا احدی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام-۸ نوامبر ۲۰۱۰

نسرین ستوده باید بدون قید و شرط آزاد گردد و بطور اضطراری تحت مراقبتهای ویژه درمانی قرار گیرد!

نسرین ستوده کارشناس ارشد حقوق بین الملل، حقوق دان، وکیل دادگستری فعال اجتماعی، عضو کانون مدافعان حقوق بشر، فعال جنبش زنان، فعال حمایت از کودکان، برنده جایزه حقوق بشر سازمان حقوق بشر بین الملل، وکیل مدافع بسیاری از زندانیان سیاسی و کودکان محکوم به اعدام، پیش از بازداشت، بارها بخاطر فعالیتهای حقوقی اش مورد تهدید قرار گرفته بود. گروه های فشار تحت امر وزارت اطلاعات از وی خواسته بودند که از وکالت مولکینش دست بردارد.

نسرین ستوده وکیل زندانی سیاسی آرش رحمانی نژاد، جوانی که برای زهر چشم گرفتن از مردم به دار آویخته شد، ابتدا در کلانتری نارمک مورد بازجویی قرار گرفت. سپس نسرین ستوده در سیزدهم شهریور ۱۳۸۹ (چهارم سپتامبر ۲۰۱۰) پس از دریافت احضاریه از سوی دفتر دادستان انقلاب با جرم سه اتهام واهی تبلیغ برضد نظام و تبابی و تجمع به هدف اغتشاش برضد امنیت ملی به دادسرای ویژه زندان اوین فراخوانده شد. وی به همراه وکیل اش، نسیم غنوی به دادسرای اوین مراجعه کردند. دادسرای اوین از حضور وکیل نسرین در جلسه بازپرسی

ممانعت بعمل آورد، وی پس از بازپرسی کوتاهی دستگیر و روانه زندان اوین گردید.

نسرین در طی مدت بازداشت امکان ارتباط با وکلای مدافع خود را نداشته است. داشتن ملاقات با بستگان نیز برای او بشدت محدود بوده است. پیش از احضار به دادسرا، روز شنبه ۶ شهریورماه، ماموران امنیتی از سوی وزارت اطلاعات به دفتر کار و منزل نسرین ستوده مراجعه کرده و ضمن تفتیش این دو محل و ضبط برخی از اسناد و پرونده ها و وسایل شخصی و کامپیوتر او و همسرش را با خود بردند. نسرین ستوده در اعتراض به بازداشت خود و رفتار غیر انسانی بازجویان در زمان حبس و شکنجه های طاقت فرسا و بازجویی دریند ۲۰۹، زندان اوین، اقدام به اعتصاب غذا نمود. وی تنها برای اولین بار در تاریخ سیزدهم آبانماه ۱۳۸۹ (چهارم نوامبر ۲۰۱۰) اجازه یافت دو فرزند کوچک، سه و یازده ساله و همچنین مادر و خواهرش را برای مدت بسیار ناچیزی ملاقات نماید. همسر وی آقای رضا خندان اجازه ملاقات با او را نیافت. در مدت بازداشت نسرین ستوده تنها بمدت سه ثانیه توانسته است با همسرش مکالمه تلفنی داشته باشد.

پس از ملاقات اعتصاب خود را پس از بیست و هشت روز شکست. براساس گزارشهایی که از درون زندان بدست آمده، وزن وی بشدت کاهش یافته، رنگ پوست اش تیره شده و قوای جسمی اش بشدت تحلیل رفته است، بطوریکه قدرتی برای در آغوش گرفتن فرزندان را نداشته است.

نسرین تهدید کرده بود که اگر شرایط بهمان شکل قبل باشد، اعتصاب غذای خود را از سر خواهد گرفت. و به فاصله کوتاهی، روز نهم آبانماه (سی و یکم اکتبر ۲۰۱۰) مجدداً بدلیل ادامه رفتارهای وحشیانه بازجویان بند ۲۰۹ دست به اعتصاب غذای خشک زد.

عباس جعفری دولت آبادی دادستان منفور و خونریز تهران طی روزهای گذشته به زندان اوین رفت تا با دیدار با نسرین ستوده تلاش کند وی به اعتصاب غذای خود که چند ساعت پیش از حضور وی شروع شده بود پایان بدهد. اما این ملاقات تصمیم وی را تغییر نداد، این اعتصاب غذای خشک همچنان ادامه دارد.

آبانماه دادگاه نسرین ستوده در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار خواهد شد.

رفتار غیر انسانی بازجویان وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ زندان اوین با نسرین ستوده یک جرم جنایی آشکار است و باید همه مسببین این بازداشت، دستگیری و بازجویان و شکنجه گران وی از سوی مجامع صلاحیت دار بین المللی تحت تعقیب قرار گیرند. تا کنون سازمانهای حقوق بشری بسیاری نظیر عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر، گزارشگران بدون مرز و همچنین شخصیت های سیاسی نظیر اسلاو هاوول، رئیس جمهور پیشین جمهوری چک به وضعیت فوق اضطراری نسرین ستوده اعتراض کرده اند و خواستار آزادی وی گردیده اند.

جمهوری اسلامی نسرین را به گروگان گرفته است، شکنجه میکند، دیدار با فرزندان و همسر و بستگانش را ممنوع میکند تا با ترساندن وکلای دیگر و خانواده های زندانیان سیاسی که وی وکالتشان را بعهده داشته است، با ایجاد جو رعب و وحشت چند روزی بیشتر به حیات ننگین خود ادامه دهد.

بدون تردید این پرونده سازی کثیف دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی، بخشی از موج دستگیری ها و اذیت و آزارهایی است که در قبال شماری از

وکلای فعال و مدافع حقوق بشر، از جمله محمد اولیایی فر؛ آقای محمدعلی دادخواه، آقای عبدالفتاح سلطانی و آقای محمد سیف زاده. و اعضای کانون مدافعان حقوق بشر صورت میگیرد.

برای نمونه آقای سیف زاده روز هشتم آبان ۱۳۸۹ (۳۰ اکتبر ۲۰۱۰) پس از برگزاری دادگاهی بشدت مخدوش و فرمایشی و مملو از بی قاعدگی و اشتباهات فاحش قضایی به ۹ سال زندان و ۱۰ سال ممنوعیت از انجام وکالت محکوم شد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن همدردی عمیق با فرزندان خردسال، همسر، مادر و بستگان نسرین ستوده از همه مجامع دفاع از حقوق بشر می خواهد با تحت فشار قرار دان حاکمیت جمهوری اسلامی نسرین ستوده را آزاد و بلافاصله به بیمارستان منتقل نمایند تا تحت درمان و مراقبتهای ویژه قرار گیرد. ما صمیمانه از نسرین ستوده می خواهیم برای حفظ سلامتی اش و رفع نگرانی فرزندان و بستگانش به اعتصاب غذای خود پایان دهد. (کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۴ آبان ۸۹، ۶ نوامبر ۲۰۱۰



کاری توانسته اند از دادگاههای مربوطه موفق خارج شوند.

"ساخت داگنهام" یک یادآوری زیبا بر این واقعیت تلخ است که تا زمانی که از شر سرمایه داری خلاص نشده ایم برابری کامل زن و مرد بطور کامل متحقق نخواهد شد و همان دستاوردهای چندی هم که در اثر مبارزات کسانی مانند قهرمانان داستان این فیلم بدست آمده اند در خطر حمله و بازپس گیری خواهند بود.*

اینکار یکبار دیگر توجه جامعه و صاحبان نظران را به مسئله اختلاف دستمزد بین زن و مرد جلب کرد. گزارشات و تحقیقات اخیر نشان داده است که مصوبه دستمزد برابر یکی از قوانینی است که هیچوقت در عرض

چهل سال رسمیت یافتنش واقعا در عمل متحقق نشده است. طبق یک گزارش هفت صد صفحه ای که توسط کمیسیون برابری و حقوق بشر اخیرا منتشر شده چهل سال بعد از تصویب این قانون در کشور انگلستان هنوز زنان بیش از ۱۷ درصد کمتر از مردان حقوق می گیرند (به گفته صاحبان نظران زنان کارکن نیمه وقت تا ۳۷ درصد کمتر از مردان دستمزد دارند). در طول چهل سال گذشته طبق این گزارشات کارفرمایان هیچگاه خود را تحت فشار جدی از طرف دولت و هیاتهای بازرسی برای رعایت قانون دستمزد برابر ندیده اند. زنانی که بخود جرات داده اند و بخاطر عدم رعایت این قانون کارفرمایان خود را به دادگاه کشیده اند خود را با سیستمی پیچیده و بوروکراتیک و عاری از هر نوع سمپاتی روبرو یافته اند، بطوریکه فقط تعداد انگشت شماری آنها در رده های بالاتر

ایجاد تفرقه و غیره جلوی آنها را بگیرند. ریتا و دوستانش نه تنها باید با مسئولین کارخانه دربیافتند بلکه ناچارند با مردسالاری حاکم بر فضای اتحادیه ها و محیط کار و درون جامعه هم بجنگند.

نهایتا اعتصاب زنان چرخکار فورد با موفقیت به پایان می رسد و آنها با به دست آوردن نود و دو درصد دستمزد مردان و گرفتن قول از نماینده دولت خانم باربارا کاسل برای تلاش جهت به تصویب رساندن قانون دستمزد برابر به سرکارشان بر می گردند. دولت حزب کارگر ناچار می شود قانون دستمزد برابر را به مجلس برده و در سال ۱۹۷۰ بالاخره این قانون رسما از طرف مجلس تصویب شده و اجرای آن در کشور الزامی می شود. بعد از انگلستان کشورهای دیگر اروپایی هم یکی بعد از دیگری به این طرح پیوسته و هم اکنون طبق ماده ۱۴۱ قوانین اروپایی واحد کارفرمایان موظف به رعایت اصل دستمزد برابر در مقابل کار برابر برای زن و مرد هستند.

"ساخت داگنهام" تقریبا همزمان با چهلیمین سالروز به تصویب رسیدن قانون دستمزد برابر روی اکران رفت و با



فیلم "ساخت داگنهام" ... از صفحه ۱

سهیلا شریفی

همه جای دنیا رسیده است، ریتا اوگریبی و همکاران چرخکار او در کارخانه فورد در عرصه ای کمتر شناخته شده مشغول تصرف سنگرهای مهمی بودند. این زنان کارگر کارخانه فورد ساکن محله داگنهام توانستند با تلاش تاریخی خود برای دست یافتن به دستمزد برابر با مردان مهر خود را بر تحولات زمان خود و سالهای بعد از آن بگذارند. فیلم "ساخت داگنهام" که از چند هفته پیش در سینماهای انگلستان به نمایش در آمده است با بازی زیبایی سالی هاوکینز و باب هاسکینس و کارگردانی نایجل کلو توانسته است اعتراض زنان کارگر کارخانه فورد در داگنهام و مشکلاتی که این زنان در به مقصد رساندن مبارزه اشان پیش رو داشتند را به شکلی ساده، سرگرم کننده و در عین حال پر محتوا به نمایش بگذارد.

کار و حقوق ناچیزی که در مقایسه با همکاران مردشان می گیرند به خشم آمده اند و علیرغم کارشکنیهای مسئولین سازشکار اتحادیه ها تصمیم می گیرند دست به اعتصاب بزنند و در خواست برسمیت شناختن کارشان بعنوان کار حرفه ای و با لا رفتن حقوقشان کنند. خیلی زود و تحت راهنماییها و توصیه های آلفرد پانگهام (باب هاسکینس) آنها مطالبه خود را از این فراتر برده و خواست دستمزد برابر برای زنان را سرلوحه مبارزه اشان می کنند. این خواست پایه ای مسئولین کارخانه را به تکاپو می اندازد بقول یکی از مدیر عاملها "اگر این زن موفق شود به آنچه می خواهد برسد، ما بزودی این ماجرا را در همه جای دنیا خواهیم داشت" و دقیقا به همین دلیل است که شدیداً در مقابل اعتراضات این زنان ایستادگی کرده و سعی می کنند با تهدید و یا

یونسکو هم فهمید که در تهران

هوا پس است

بهروز مهرآبادی



روز سه شنبه سازمان یونسکو با انتشار یک بیانیه انصراف خود را از برگزاری کنفرانس روز جهانی فلسفه در ایران اعلام کرد. این سازمان تا آخرین روزهای هفته قبل برای برگزاری همایش فلسفه در ایران مصمم بود. در روز های اول آبان معاون علوم انسانی یونسکو به ایران سفر کرده تا با مقامات ایران تا از تدارکاتی که جمهوری اسلامی برای برگزاری این همایش، فراهم کرده، دیدن کند و روز ۶ آبان در مقر یونسکو در پاریس جلسه اطلاع رسانی برای معرفی برنامه های همایش فلسفه در تهران، برگزار شد. سایت فارسی سازمان یونسکو از درج این بیانیه خودداری کرده است ولی حکومت اسلامی به یونسکو اعتراض کرده و خواستار تجدید نظر در این تصمیم شده است. اقدام یونسکو اوج بی آبرویی جمهوری اسلامی را نشان داد و همه تبلیغات و برنامه ریزی های رژیم را نقش بر آب

اشخاصی گذاشت که با جمهوری اسلامی رابطه نزدیک داشته و کاری به جنایات انجام شده توسط آن نداشتند. دیگر کسی صحبت از برگزاری یک کنفرانس یا گردهمایی عادی از جانب یک دولت و یا یک نهاد دولتی نمی کند. یا باید با زندانبانان سکینه و هزاران زندانی دیگر و با قاتلان فرزاد کمانگرها و ندا آقا سلطان به گفت و شنود درباره فلسفه جنایت و قوانین اسلامی می پرداختند و یا اینکه از خیر شرکت در چنین مجالسی می گذشتند. آنهاهی که هنوز از روشن بینی و وجدان چیزی باقی داشتند و یا برای خود ارزش و احترامی قائل بودند، راه دوم را انتخاب کردند.*

های اسلام شناسی در دانشگاههای آمریکا و اروپا بوده و با آیت الله ها حشر و نشر داشته و سفرهای متعدد به ایران را مهمان جمهوری اسلامی بوده اند، از شرکت در این همایش امتناع کردند. شدت گرفتن جنایات جمهوری اسلامی و افشاکاری وسیع در سطح جهان بویژه در دو سال اخیر، به این "حکیمان" نشان داد که نزدیک شدن به این رژیم لکه ننگی خواهد بود که تا آخر عمر بر چهره آنها باقی خواهند ماند و موجب شد که در تصمیم خود تجدید نظر کنند. جنبش عظیمی که بر علیه حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی به راه افتاد، تاثیر زیاد بر سیاست های نهادها و

سازمان یونسکو در مقابل تهاجمات فرهنگی جمهوری اسلامی به هنرمندان خاموش بود، در مقابل سانسور و خفقان، حمله اسلامپون به سینما و تئاتر و نقاشی و موسیقی و دیگر رشته های هنر خفقان گرفت و در مقابل حمله حکومت اسلامی به متون علمی و مباحث علمی کتب درسی دانش آموزان هم تاکنون واکنشی از خود نشان نداده است. بر مبنای سیاست تاکنونی سازمان یونسکو تصمیم به لغو حمایت از همایش فلسفه در تهران شاید امری غیر منتظره بود، اما برای یونسکو چاره ای جز این نبود. بی آبرویی حکومت اسلامی در سطح جهان می توانست این سازمان را هر چه بیشتر بی اعتبار کند و به اندک وجهه ای که برایش مانده لطمه جدی بزند. از چندین ماه قبل اعتراضات جدی به برگزاری این همایش شده بود. بسیاری از شخصیت های آزادیخواه و شریف از همان ابتدا شرکت در چنین همایشی را تحریم نمودند. حتی بسیاری از "حکیمانی" هم که همیشه در ردیف گردانندگان و شرکت کنندگان دائمی سمینارها و کنفرانس

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!